

بسمه تعالی

متن بیانات در دیدار مسئولان نظام

در هشتمین روز از ماه مبارک رمضان؛ در حسینیه‌ی امام خمینی رحمه‌الله (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله  
الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقيه الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، مسئولان محترم! ان شاء الله که برکات الهی شامل حال  
همه‌ی شما و همه‌ی ملت ایران باشد و ماه رمضان به معنای واقعی کلمه برای همه‌ی شما ماه مبارک  
باشد.

ماه رمضان ماه تقوا است؛ من و شما که مسئولیم -همه‌ی ما- به رعایت تقوا بیش از دیگران نیاز  
داریم. چند کلمه‌ای، چند دقیقه‌ای در این زمینه عرایضی می‌خواهم عرض بکنم. خب در آیه‌ی شریفه‌ی  
«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»، (۲) این «لَعَلَّكُمْ  
تَتَّقُونَ» -شاید تقوا پیشه کنید- به معنای امید است، یعنی امید این هست که این اتفاق بیفتد. خب، امید  
در مورد خدای متعال معنا ندارد؛ خدا عالم به سر و خفیات و همه چیز است، امید معنی ندارد؛ بنابراین  
مراد این است که این ماه رمضان را، این تشریح الهی را قرار دادیم تا زمینه‌ای باشد، بستری باشد برای  
رواج تقوا؛ خطاب هم خطاب به عموم است، یعنی بین شما مردم تقوا رواج پیدا کند. بنابراین ماه  
رمضان، ماه رواج تقوا است.

تقوا یعنی چه؟ تقوا آن طوری که در ترجمه‌ها رایج شده که درست هم هست، یعنی «پروا کردن»، یا  
در تعبیرات معمولی ماها «ملاحظه کردن»؛ [مثلاً] می‌گویند فلانی ملاحظه‌ی فلانی را دارد، یا شما  
ملاحظه‌ی فلان کس را دارید؛ پروا یعنی این. پروا کردن، ملاحظه کردن، معنای تقوا است. اتَّقُوا الله، (۳)

یعنی ملاحظه‌ی خدا را بکنید، پروا داشته باشید از خدای متعال. یک خطّ مستقیمی به شما نشان داده است در این حرکت عظیم حیات بشری که محفوف به مشکلات است. فرض کنید مثل زمینی که این گوشه و آن گوشه‌اش مین وجود دارد که یک راهی را باز میکنند، میگویند این راه، راه سلامت است، راه امنیّت است، از اینجا بروید؛ صراط مستقیم این است. ملاحظه‌ی خدا - اتَّقُوا اللَّهَ - یعنی حواستان باشد از این راه منحرف نشوید، کج و راست نشوید که گرفتار خواهید شد، مشکل برایتان درست میشود.

اگر از این راه رفتید، آن وقت نتایج خوبی به دست شما خواهد رسید که آن نتایج را هم خدا در قرآن مکرّر در آیات متعدّد قرآنی بیان کرده: اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ (۴) رحمت الهی؛ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۵) - فلاح یعنی رستگاری - اگر تقوا بود، رستگاری برای انسان پیش می‌آید؛ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ (۶) - که در بعضی از آیات هست - تقوا موجب هدایت است، وقتی تقوا پیشه کردید، مشکلات، کوره‌راه‌ها از جلوی شما عقب خواهد رفت و راه درست برای شما روشن خواهد شد. اگر تقوا داشته باشید، موجب فرقان است: يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا؛ (۷) فرقان یعنی قدرت تشخیص؛ [این] خیلی مهم است. ما در همه‌ی مسائل زندگی نیاز داریم به قدرت تشخیص که راه درست را از نادرست، حق را از باطل تشخیص بدهیم؛ با «تقوا» فرقان به وجود می‌آید، قدرت تشخیص به وجود می‌آید. یک چیز دیگر: وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (۸) - «مخرج» یعنی بن‌بست‌شکنی - اگر تقوا باشد، بن‌بستی وجود ندارد، بن‌بست در کارتان نیست. در همه‌ی زمینه‌ها اگر تقوا داشته باشید، مراعات کنید، همان پروای مورد نظر و ملاحظه‌ی از خدای متعال را داشته باشید، بن‌بستی در مقابل شما وجود ندارد. و بصیرت [هم به انسان میدهد]. اینها وعده‌های قرآنی است برای تقوا. وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا؛ (۹) هیچ کس، هیچ وعده‌دهنده‌ای صادق‌تر از خدای متعال نیست؛ وقتی خدای متعال وعده میدهد، تحقق پیدا میکند، قطعی است و در این شکی نیست.

خب، در حاشیه‌ی دعوت به تقوا در قرآن - که از اوّل تا آخر آن بارها و بارها ماها به تقوا دعوت شدیم؛ به همین حقیقت کارساز و راهگشا- و در قبال این، تقوای از غیر خدا هم مطرح شده که به نظرم در سوره‌ی نحل است: وَ لَهُ الدِّينُ وَاَصْبَاً اَفْغَيْرَ اللهُ تَتَّقُونَ: (۱۰) آیا از غیر خدا ملاحظه میکنید؟ خب، غیر خدا یعنی چه؟ ملاحظه‌ی پدر انسان، مادر انسان که خوب است، ملاحظه‌ی برادر مؤمن که خیلی خوب است، اینها مراد نیست؛ یعنی قدرتهای غیر خدایی، قدرتهای ضدّ خدایی. پس وقتی ما پایبند تقوا شدیم، از قدرت خدا پروا میکنیم، از قدرتهای غیر خدا پروا نمیکنیم؛ «پروا نمیکنیم» یعنی ملاحظه‌ی آنها را نمیکنیم. نه اینکه حواسمان را جمع نمیکنیم؛ چرا، باید حواسمان جمع باشد اما از آنها نمیترسیم، فکر نمیکنیم که زندگی ما، سعادت ما، آینده‌ی ما، سرنوشت ما دست آنها است؛ این لازمه‌ی تقوا است. ببینید؛ اینها همه راه‌های پیروزی یک ملت است، یعنی در یک امت اسلامی وقتی تقوا بود، و این جور اندیشیدن، و این جور عمل کردن بود، قهراً شکوفایی پیش می‌آید، حرکت پیش می‌آید و پیشروی، اعتلا، ارتقا، و آن وقت «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (۱۱) میشود که [از سوی] خدای متعال، مکرّر و چند بار در قرآن آمده است.

تقوا دامنه‌ی وسیعی هم دارد؛ یعنی از خلوت دل شما تقوا وجود دارد که شهوات را در دل راه ندهید، ریب (۱۲) و شکّ در حق را در دل راه ندهید، هوای نفس را از خودتان دور کنید؛ [یعنی] این مشکلاتی که ماها دچارش هستیم. دیشب تلویزیون یک برنامه‌ای از امام (رضوان الله علیه) پخش میکرد. خب واقعاً امام، حکیم به معنای واقعی کلمه بود، یعنی حرف که میزد، دائم حکمت از دل او جاری میشد -البته ما بودیم در آن جلسه اما خب تذکر خیلی لازم است- یک جمله‌ای ایشان میگفتند که «ماه رمضان موجب میشود که از شهوات، خودمان را دور کنیم، بخصوص شهوات معنوی؛ شهوات معنوی سخت تر است؛ قدرت طلبی، جاه طلبی، اینها شهوات معنوی [است]. اینکه انسان سعی کند در همه‌ی میدانهای زندگی خودش را تحکیم کند، این آن شهوات معنوی است؛ شهوات ظاهری و مادی و اخلاقی و [مانند] اینها هم که به جای خود محفوظ است. تقوا از اینجا شروع میشود تا به عرصه‌ی اجتماع؛ در جنگ، تقوا وجود دارد، در فعالیت‌های سیاسی تقوا معنا میدهد، در فعالیت‌های اقتصادی همین جور. آن وقت من و شما که [جزو] مسئولین هستیم در کشور و مدیریتهای مختلف به عهده‌ی ماها

است، حرکتان، قولمان، فعلمان، ضمیرمان، تصمیممان، به سرنوشت مردم ارتباط پیدا میکند؛ و اینجا است که تقوا اهمیت پیدا میکند. اینکه گفتم تقوا برای من و شما مهم‌تر از مردم عادی است، به خاطر این است؛ باید مراقبت کنیم، تقوا به خرج بدهیم. کارگزار حکومت، مبتلا به ارتباط نزدیک با حقوق مردم است؛ اگر چنانچه بی تقوا باشد، حقوق مردم پامال خواهد شد، آن وقت دیگر قابل جبران نیست؛ حالا فلان کار خلاف شخصی و ظلم به نفس را که انسان انجام میدهد، خب توبه میکند، بعد یک جوری جبران میشود اما وقتی حقوق مردم پامال شد، چه جوری انسان میخواهد این را جبران کند؟

این را به عنوان یک تعهد مدیریتی در نظر بگیرید؛ جنابعالی که میخواهید کسی را به یک جایی منصوب کنید، یک کاری را به کسی بسپرید، دارا بودن این خصوصیت را، یعنی خصوصیت تقوا و تعهد در امور مربوط به مردم را، جزو صلاحیتهای مدیریتی بدانید. یکی از صلاحیتهای مدیریتی این است که ببینید این طرف، دارای تقوا است، یعنی کاری که به او می‌سپرید، با امانت انجام میدهد یا نه. خب اگر این جور شد، آن وقت خدا مهم‌ترین مؤلفه در همه‌ی تصمیم‌گیری‌های ما خواهد بود؛ معنی اینکه برای خدا کار کنیم، این جوری خواهد شد؛ آن وقت کارتان میشود عبادت. یکی از امتیازات کار برای حکومت اسلامی و دولت اسلامی همین است که اگر چنانچه کار برای خدا شد، کار تبدیل میشود به عبادت؛ خود آن امضائی که میکنید، آن کاغذی که مینویسید، آن حرفی که میزنید، میشود یک عبادت. در دعای مکارم‌الاخلاق این جمله هست: *وَاسْتَعْمَلِنِي بِمَا تَسْأَلُنِي غَدَاً عَنهُ* - که دعای بیستم صحیفه‌ی سجّادیه است و دعای بسیار خوبی است و من توصیه میکنم بیشتر [بخوانید]؛ دوستان [البته] میخوانند لکن بیشتر بخوانید این دعا را - فردا در قیامت یقه‌ی ما را میگیرند که چرا فلان کار را نکردی. بعضی از کارها را که نباید بکنیم، میکنیم - خب این را همه میدانیم - بعضی از کارها را باید بکنیم، توجه نمیکنیم، غفلت میکنیم، تنبلی میکنیم، ملاحظه‌ی این و آن را میکنیم و آن کارها را انجام نمیدهیم؛ از ما سؤال میکنند.

از جمله‌ی جاهایی که تقوا باید خودش را نشان بدهد اینجا است؛ یکی مسئله‌ی رعایت بیت‌المال است، یکی مسئله‌ی خویشن‌داری در برابر طغیان نفس است؛ مال‌اندوزی، مشکلات اخلاقی، میل به

زندگی تجملاتی و اشرافیت؛ اینها چیزهایی است که ما مسئولین جمهوری اسلامی باید خیلی مراقب باشیم. وَ سَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا؛ (۱۳) خب، اینکه ما در همان ساختمانی که آن طاغوت حکمرانی میکرد حکمرانی کنیم، مثل او هم عمل بکنیم که نشد، [در این صورت] ما با او فرقی نداریم. روشمان بایستی با روش بندگان شیطان و اتباع شیطان متفاوت باشد.

دو جور ممشی<sup>۱</sup> و مسلک وجود دارد در رسیدن به قدرت. در همه‌ی کسانی که به قدرت دست پیدا میکنند این معنا وجود دارد: یک جور مال اهل دنیا است، که منتظرند به قدرت دست پیدا کنند، به حکومت دست پیدا کنند تا به مطامع شخصی خودشان برسند؛ یعنی [فرد] تلاش میکند برای اینکه به ریاست جمهوری برسد، [چون] در دوره‌ی ریاست جمهوری زمینه‌هایی فراهم میشود که زندگی او یک زندگی بهتری میشود؛ یعنی برای او رسیدن به قدرت، وسیله‌ای است برای رسیدن به شهوات نفسانی، برای رسیدن به مال و ثروت و شهوات و چیزهایی که نفس او طلب میکند؛ این یک جور است که غالباً اهل قدرت این جوری بودند؛ چون غالباً اهل دنیا بودند، دنبال دنیا بودند، قدرت هم برایشان دنیا بود و نتایج آن قدرت هم برایشان جز دنیا چیز دیگری نیست. این یک نحوه‌ی سلوک و نحوه‌ی مشی کسانی است که به قدرت دست پیدا میکنند؛ یکی هم نحوه‌ی مشی انبیا است: درباره‌ی پیغمبر [نقل شده]: يَجْلِسُ جَلْسَةَ الْعَبِيدِ يَأْكُلُ أَكْلَ الْعَبِيدِ؛ (۱۴) نشستش روی زمین مثل نشستن برده‌ها، مثل غلامها [بود]؛ یعنی با آن عظمتی که مقام او دارد، هیچ‌گونه تعین (۱۵) برای خودش قائل نبود در غذا خوردنش، رفاقت کردنش؛ یا امیرالمؤمنین [میگوید]: أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَمِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ؛ (۱۶) [این] زندگی امیرالمؤمنین است؛ این هم یک [نمونه] است. البته معنایش این نیست که من و شما مثل پیغمبر یا مثل امیرالمؤمنین عمل کنیم؛ [اصلاً] ما قادر نیستیم؛ خود حضرت هم میفرماید: أَلَا وَ أَنْكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَىٰ ذَٰلِكَ؛ (۱۷) شماها نمیتوانید این جوری رفتار کنید، وَلَكِنْ أَعْيُونِي بَوْرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ؛ (۱۸) تلاش کنید؛ خطّ اصحاب قدرت دنیوی را دنبال نکنید.

بنابراین کسانی که مسئولیتی دارند در نظام جمهوری اسلامی، یکی از چیزهایی که باید واقعاً به آن اهتمام داشته باشند و لازمه‌ی تقوا است، این است که دنبال زندگی تجملاتی و تشریفاتی و مانند اینها نروند. زندگی معمولی داشته باشند، اسراف و مانند اینها نداشته باشند. البته حرف درباره‌ی تقوا زیاد است. این اصل عرضی که ما به شما خواستیم بکنیم همین است، که البته در واقع خود بنده بیشترین مخاطب این حرفها هستم و احتیاجم بیشتر از شماها است. و باید تقوا را هدف اصلی خودمان، مسیر اصلی خودمان، وسیله‌ی اصلی در اختیار خودمان بدانیم و دنبال تقوا باشیم؛ این حرف اساسی ما بود.

و اما راجع به مسائل کشور؛ راجع به مسائل اقتصادی حرفهایی هست که حالا یک مطالبی را ما عرض میکنیم. اینکه آقای رئیس‌جمهور بیان کردند که بایستی مدیریتهای برنامه‌ریزی‌ها جدی‌تر بشود، تغییر پیدا کند، اینها حرفهای درستی است، باید بشود و بکنند دیگر؛ این کارها را واقعاً دنبال کنند. همان طور که بیان شد، واقعاً بروند دنبال فعالیت جدی در همین زمینه‌هایی که گفته شد، و راه باز است.

خب امروز، مشکل عمده و نقد کشور فعلاً مشکل اقتصادی است. علتش هم فشار بر مردم است دیگر، فشار بر معیشت مردم بخصوص طبقات ضعیف است، حتی طبقات متوسط هم تا حدودی زیر فشار هستند لکن بیشتر، طبقات ضعیف [تحت فشارند] که طبعاً وقتی که اقتصاد کشور دچار مشکل شد، مردم و ضعفا در جامعه زیر فشار قرار میگیرند، دشمن [هم] طمع میکند؛ یکی از اشکالات کار این است که دشمن طمع میکند و امید میبندد؛ اعتبار کشور هم کاهش پیدا میکند، یعنی واقعاً [اگر] مشکل اقتصادی و نداشتن برنامه‌ی خوب اقتصادی و پیشرفت اقتصادی در هر کشوری وجود داشته باشد، اعتبار آن کشور را لطمه میزند؛ لذا واقعاً باید به مسئله‌ی اقتصاد به طور جدی پرداخت. و عرض میکنیم هیچ بن‌بستی هم به معنای واقعی کلمه در اینجا وجود ندارد، یعنی واقعاً هیچ بن‌بستی نیست؛ بله، مشکلات هست، موانع هست [ولی] بن‌بست وجود ندارد.

خب، دشمنان ما و در رأسشان آمریکا به امید اینکه بلکه بتوانند از این راه به جمهوری اسلامی ضربه‌ای وارد کنند، تحریمها را تشدید کردند؛ به قول خودشان تحریمهای بی‌سابقه. راست هم

میگویند؛ این تحریمهایی که اینها بر جمهوری اسلامی تحمیل کردند بی سابقه است، منتها مهم این است که جمهوری اسلامی فلز محکمی دارد؛ این را بعضی از ناظرین جهانی هم گفته اند که اگر این تحریمها و این فشارها به هر کشور دیگری وارد میشد، تأثیرات مهمی روی آنها میگذاشت لکن جمهوری اسلامی به اتکاء مردم، به توفیق الهی، به همت مسئولینی که در گوشه و کنار کشور مشغول کارند، استحکام دارد و الا فشار [هست]. آنها کار خودشان را کرده اند؛ دشمن همه ی تلاش خودش را به خرج داده و کار خودش را کرده؛ او از خبثت و بدجنسی خودش کم نگذاشته؛ هدفشان هم این است که مسئولین را به تسلیم وادار کنند و محاسباتشان را جوری تغییر بدهند که منتهی بشود به اینکه تسلیم بشوند، یعنی بیایند در مقابل آمریکا تسلیم بشوند؛ و مردم را هم در مقابل نظام قرار بدهند؛ هدف دشمن این است.

این محاسبه، محاسبه ی غلطی است؛ یعنی محاسبات آمریکا، محاسبات غلطی است. قبلاً هم در سالهای گذشته، در این چهل سال، همین جور محاسباتی را آمریکایی ها داشته اند و نتیجه نگرفته اند و ضرر کرده اند و ضربه ی مورد نظر خودشان را نتوانستند بر جمهوری اسلامی وارد کنند؛ حالا هم همین جور است؛ این دفعه هم قطعاً شکست خواهند خورد؛ در این تردیدی نیست، منتها آن کینه و بغضی که اینها نسبت به ایران اسلامی دارند، اینها را کور کرده، یعنی محاسباتشان را خراب کرده و نمیتوانند درست محاسبه کنند. این کینه و بغضشان واقعاً آنها را کور کرده، و الا در خود آمریکا افراد زیادی هستند که با این شیوه ی برخورد خبثت آلود و وحشیانه که نسبت به ایران و گروه های مسلمان و گروه های مقاومت به کار گرفته میشود مخالفند، [اما] دستشان به جایی بند نیست؛ مقالاتشان، گفته هایشان، کارهایشان را می بینیم، میخوانیم، میدانیم که چه میگویند لکن اینها نمیفهمند؛ مسئولین کنونی آمریکا واقعاً درکی ندارند و نمیفهمند.

من همین جا این را عرض بکنم: هیچ کس از هیبت ظاهری آمریکا نباید بترسد هیچ کس؛ یعنی این واقعاً خیلی خطا است. آدم احساس میکند بعضی ها از این هیبت ظاهری و تشر و هیاهو و مانند اینها

جا میزنند و وحشت میکنند؛ ترس از این هیبت ظاهری غلط است؛ ابرقدرت‌ها کارشان را همین جوری پیش میبرند؛ با هیاهو. آن قدرت واقعی آنها به قدر آن هیاهویی که میکنند نیست؛ خیلی کمتر است؛ منتها تشر میزنند، هیاهو میکنند، تهدید میکنند، این و آن را میترسانند. هیچ کس نباید [بترسد]؛ نه از آنها باید ترسید، نه از ثروت این قارون‌های خلیج فارس؛ این قارون‌هایی هم که اطراف ما هستند، هیچ غلطی نمیتوانند بکنند. میلیاردها تا حالا خرج کرده‌اند علیه ما در بخشهای مختلف، به جایی هم نرسیده‌اند یعنی واقعاً دستشان به جایی بند نشده. آمریکا در سال ۱۳۵۷ که سال انقلاب عظیم اسلامی ما است، از حالا بمراتب قدرتمندتر بود. جیمی کارتر که آن وقت رئیس‌جمهور آمریکا بود، از این بابا که حالا سر کار است، (۱۹) هم عاقل‌تر بود، هم قدرتش بیشتر بود؛ این، هم قدرتش کمتر است - هم قدرت مالی‌اش کمتر است، هم قدرت سیاسی‌اش کمتر است - و هم عقلش کمتر است. و یک مأموری هم در داخل ایران داشتند که بر همه‌ی امور مسلط بود؛ محمدرضای پهلوی مأمور آنها بود، برای آنها کار میکرد، طرفدار آنها بود و در اینجا هم همه‌ی امور کشور دست او بود؛ این را هم داشتند. در عین حال، ملت با دست خالی توانست آمریکا را شکست بدهد. ممکن است شما بگویید «خب آن انقلاب بود»؛ الان هم انقلاب است؛ الان هم تعداد جوانهای پُرشور انقلابی از آن روزی که انقلاب پیروز شد کمتر نیست و عمق اندیشه‌ی انقلابی آنها بیشتر هم هست؛ این جوری است. نمونه‌هایش را شما در حوادث گوناگونی که در کشور پیش می‌آید، [مثلاً] در بزرگداشت‌های انقلاب، ملاحظه میکنید؛ امروز آن حرکت انقلابی، شور انقلابی، خودش را در جای لازم نشان میدهد. بنابراین، هیبت آمریکا کسی را نهراساند. من مسئله‌ی آمریکا را در آخر صحبتیم اگر ان‌شاءالله وقت شد، باز [در] چند جمله‌ی دیگری خواهم گفت.

مسئله‌ی اقتصاد کشور مسئله‌ی مهم روز ما است؛ باید به این پردازیم. اقتصاد ما یکی از اقتصادهای بزرگ دنیا است، زیرساخت‌های اقتصادی ما زیرساخت‌های خوبی است؛ بایستی همین طور که اشاره کردند، مدیریتهای را به شکلی تنظیم کنیم و ترتیب بدهیم که بتوانند از این موجودی به بهترین وجهی استفاده کنند، ظرفیتهای فراموش شده و مغفول‌واقع شده را واقعاً به کار بگیرند. اقتصاد ما چند بیماری مزمن دارد که اینها را اگر بتوانیم در این برهه حل کنیم - این برهه‌ای که با مسئله‌ی نفت گلاویز هستیم



و تحریم و این چیزها مطرح است - به نظر من اقتصاد ما جهش پیدا خواهد کرد.

یکی مسئله‌ی وابستگی به نفت است. عیب بزرگ اقتصاد ما وابستگی به نفت است. ما این مایع را از زیر زمین درآورده‌ایم، بدون هیچ گونه ارزش افزوده‌ای این پول نقد را - مثل پول نقد است - داده‌ایم دلار گرفته‌ایم، خرج امور جاری و امور زندگی کرده‌ایم؛ [این] غلط است. این صندوق توسعه‌ای که ما تشکیل دادیم، به خاطر همین بود که ما بتوانیم بتدریج خودمان را از نفت جدا کنیم. الان هم فرصت خوبی است؛ یکی از کارهایی که واقعاً باید در برنامه‌ریزی‌های کلان مسئولین اقتصادی ما قرار بگیرد همین است: باید کاری کنیم که وابستگی به نفت روزبه‌روز کمتر بشود.

یکی مسئله‌ی مداخلات غیر لازم دستگاه‌های حکومتی در امر اقتصاد است؛ این هم یکی از مشکلات ما است. اصلاً سیاستهای اصل ۴۴ برای این بود که این باب بسته بشود؛ کارهایی هم شده لکن نه، آن کاری که باید انجام بگیرد در این زمینه، انجام نگرفته. دولت نقش نظارت و مراقبت و هدایت باید داشته باشد در فعالیتهایی که لزوم [ندارد وارد بشود]؛ حالا در بعضی از فعالیتهای ناگزیر دولت باید وارد بشود و کسی غیر دولت نمیتواند، اما در بسیاری از اینها هم [لازم نیست]؛ یکی این است.

یکی، مسئله‌ی تخریب فضای کسب و کار است؛ این پیچ و خم‌ها و دالانهای عجیب و غریب دستگاه‌های دولتی هم که موجب میشود که فضای کسب و کار در جامعه تخریب بشود، یکی از مشکلات ما است. من شنیدم که در بعضی از کشورهای دنیا برای راه انداختن یک کار تولیدی، یک نصفه‌روز مثلاً وقت لازم است؛ در اینجا خیلی مشکلات وجود دارد؛ حالا این دست دولت و دست مجلس و دست مسئولین است، بایستی فضای کسب و کار را [تسهیل کنند]. حالا من بعد راجع به تولید عرض خواهم کرد که چقدر این مسئله اهمیت دارد.

یکی هم مسئله‌ی اصلاحات ساختاری بودجه است که اشاره کردند، بنده هم تأکید میکنم؛ بنا بر این شد، قرار بر این شد که در چهار ماه اوّل سال ۹۸، مجلس و دولت با همکاری [همدیگر] این مشکل ساختاری بودجه را برطرف کنند، حل کنند؛ دو ماهش گذشته، الان دو ماه بیشتر باقی نیست؛ این یکی از کارهای اساسی و مهمی است که بایستی انجام بگیرد. در زمینه‌ی اصلاح ساختار نظام بانکی هم حرفهای زیادی هست و جایش هم در این مجلس نیست و ما با مسئولین مکرّر در این زمینه‌ها صحبت کردیم.

به نظر میرسد که میتوانیم در زمینه‌ی اصلاح ساختارها در این برهه کار کنیم. یک مقداری احتیاج دارد به مدیریت شجاعانه؛ یک مقدار مسئولین دولتی با شجاعت در این قضیه وارد بشوند؛ ملاحظه‌ی غیر وظیفه و غیر قانون و غیر مصلحت کشور را نکنند. من اینجا یادداشت کرده‌ام «مدیریت شجاعانه، امیدوارانه، جهادی، با اشراف میدانی بر مشکلات - خیلی از مشکلات را در اتاق اداره و مدیریت و پشت میز نمیشود فهمید، باید رفت در صحنه، در عرصه، تا مشکلات را بتوان لمس کرد - عدم انفعال در برابر دشمن، شرطی نکردن اقتصاد کشور به تصمیم این و آن»؛ یکی از مسائل مهم این است. اقتصاد را به این وابسته نکنیم که ببینیم آیا آمریکا آن معافیتها را تمدید خواهد کرد یا نخواهد کرد؛ اصلاً هیچ؛ از اوّل یکی از مشکلات کار ما همین است؛ در این چندساله مکرّر این اتفاق افتاد. خود ما که مسئولین حکومتی هستیم، خیلی از فعالیتهای خودمان را به این موکول کرده‌ایم که ببینیم آن طرف که در اختیار ما نیست چه تصمیمی خواهد گرفت؛ خب وقتی ما این کار را میکنیم، فلان تاجر، فلان سرمایه‌گذار، فلان کارآفرین هم همین جور ملاحظه خواهد کرد؛ خیلی از کارهای مهم و اقدامات لازم عمرانی همین طور معطل مانده که ببینیم دیگران چه تصمیمی میگیرند؛ نه، اقتصاد را نباید شرطی کرد نسبت به کارهای دیگران.

یک نکته هم این است که ظرفیتهای مردمی را واقعاً فعال کنیم؛ این را بارها عرض کرده‌ایم و الان هم من تکرار میکنم - این هم به خاطر آشنایی و معرفتی است که بنده نسبت به وجود این ظرفیتهای بحمدالله

پیدا کرده‌ام و میدانم - که ما ظرفیتِ مردمیِ وسیعی داریم، جوانهای خوبی داریم؛ جوانهای فاضل، تحصیل کرده، کارآفرین، خوشفکر، مبتکر در بخشهای مختلف که به آنها باید اعتماد کنیم؛ از آنها باید دعوت کنیم، فراخوان بدهیم برای کارهای مختلف روی یک نقطه؛ مثلاً فرض کنید دولت در مسائل اقتصادی روی یک مسئله، من باب مثال روی مسئله‌ی ارزش پول ملی تمرکز کند و از این جوانها بخواهد بیایند، بنشینند، فکر کنند، تلاش کنند، کار کنند، راه حل بدهند، اقدام کنند؛ آنها ظرفیت است. و توکل به خدا؛ با توکل به خدای متعال این کارها را انجام بدهید، به نظر من انجام میگیرد.

یکی از چیزهایی که خیلی لازم است، این است که دولت با عواملِ مخربِ بخشهای گوناگون اقتصاد باید برخورد کند و همه باید در این برخورد پشتیبان دولت باشند. خب امروز قاچاق هست، احتکار هست، دلالی‌های بسیار مضر هست - گزارشهایی در مورد خریدهای خیانت کارانه نسبت به گندم، نسبت به گوشت، ارزاق عمومی و امثال آنها میرسد که آنها با مسئولین هم مطرح شده - آنها خیانت است و با آنها باید برخورد بشود. فلان جنس را وارد کرده‌اند، در انبار نگه داشته‌اند؛ این احتکار است و بایستی با این برخورد بشود. خب بله، وقتی که شما برخورد کردید، سر و صدا درست میشود؛ یک عده‌ای جنجال میکنند، هیاهو میکنند؛ همه باید پشت سر دولت قرار بگیرند، کمک کنند تا تعزیرات دولتی بتواند به معنای واقعی کلمه کار کند.

چند کار اساسی را من یادداشت کرده‌ام که آنها باید مورد توجه باشد. همه‌ی مسئولین [هم] بحمدالله اینجا تشریف دارید؛ هم نمایندگان مجلس هستید، هم مسئولین رتبه‌ی بالای دولت حضور دارید، [هم] مسئولین قوه‌ی قضائیه هستید؛ این کارها مربوط به شماها است. این چند کار اساسی است که اگر همه‌ی ما آنها را به عنوان یک تفکر عام قبول بکنیم، آن وقت به همدیگر کمک میکنیم، هم‌افزایی میکنیم.

یک کار اساسی، مسئله‌ی برداشتن موانع تولید است. این «رونق تولید» که ما امسال به عنوان شعار مطرح کردیم، (۲۰) کلید حل بسیاری از مشکلات اقتصادی ما است؛ تولید این جوری است. اگر واقعاً

ما بتوانیم تولید را رونق بدهیم، اگر بتوانیم موانع تولید را که خیلی هم زیاد است در کشور، از سر راه تولید برداریم - که این کار با عزم جهادی ممکن است، با به‌کارگیری جوانهای متخصص ممکن است - بسیاری از مشکلات [مانند] مسئله‌ی اشتغال حل میشود، مسئله‌ی تورم حل میشود، مسئله‌ی رفاه مردمی حل میشود، [مسئله‌ی] درآمدهای مردم حل میشود، صادرات رونق میگیرد. تولید، مادر عمده‌ترین مسائل اقتصادی کشور است؛ و به نظر ما میشود. هر جایی که ما به جوانهایمان اتکاء کردیم، اعتماد کردیم، به آنها امکانات دادیم، حداقل امکانات را هم [دادیم] - غالباً جوانها این جوری هستند [که با] حداقل امکانات [کار میکنند] - پیش رفتیم. نمونه‌هایش را همین چندساله ملاحظه کردید. یک نمونه در این تولیدات نظامی ما است. خب، واقعاً این مسئله‌ی تولیدات نظامی که دشمن هم روی آن خیلی حساس است، خیلی چیز مهمی است. این موشکهای دقیق نقطه‌زن - چه موشکهای بالستیک، چه موشکهای گروز - که از فاصله‌ی مثلاً ۱۵۰۰ کیلومتر، ۲۰۰۰ کیلومتر پرتاب میشوند، و با پنج متر، شش متر این ور آن ور هدف را میزنند، خیلی چیز مهمی است. این هم که می‌بینید جنجال میکنند روی [مسئله‌ی] موشک و مانند اینها، به خاطر همین پیشرفته‌ها است. اینها را چه کسی کرده؟ همین جوانها کرده‌اند. جوانهای مؤمن و پُرانگیزه کار میکنند، خسته نمیشوند از کار کردن.

یا آن روزی که ما احتیاج داشتیم به اورانیوم غنی‌شده‌ی بیست درصد برای همین دستگاه‌های لازمی که در تهران و جاهای دیگر داشتیم برای دارو و مسائل پزشکی و مانند اینها، خب اورانیوم غنی‌سازی‌شده‌ی بیست درصد را ما قبلها وارد میکردیم؛ مقداری را سالها پیش وارد کرده بودیم، داشت تمام میشد؛ تمام میشد یعنی این داروهای هسته‌ای که با استفاده‌ی از پرتوزایی هسته‌ای [تولید میشود] و در مسائل گوناگون مورد استفاده است، بکلی می‌خواستیم؛ مسئولین در جریان این قضیه قرار گرفتند، دنبال کردند، تلاش کردند، [طرف مقابل] اول گفتند می‌فروشیم؛ بعد این شرط را گذاشتند، آن شرط را گذاشتند، دیدیم مشکلات درست میشود و حاضر نیستند؛ گفتیم و خواستیم از مسئولین خودمان که دنبال کنید، خودتان دنبال کنید؛ هیچ کس باور نمی‌کرد؛ دنبال کردند و کار به این بزرگی را، کار به این مهمی را انجام دادند؛ یعنی توانستند به اورانیوم غنی‌شده‌ی بیست درصد دست پیدا کنند. همان وقت هم من - در همین جلسه بود به نظرم - گفتم که مشکل‌ترین بخش این فرآیند غنی‌سازی، تا همین بیست

درصد است؛ بعدش تا مراحل بالاتر به این مشکلی نیست، خیلی آسان‌تر از [این است]؛ این قسمت مشکل را، این بخش سخت‌ راه را توانستند بروند. چه کسی رفت؟ جوانهای ما. خب اینها چرا نتوانند مشکلات صنایع ما را حل کنند؟ چرا نتوانند حلقه‌های مفقوده‌ی چرخه‌ی برخی از کارهای تجاری و صنعتی ما را حل کنند؟ میتوانند؛ باید به اینها اعتماد کرد؛ این یک کار اساسی است.

مسئله‌ی رونق تولید را باید جدی گرفت. مسئولین محترم روی خوابیدن و تعطیل شدن کارخانه‌های تولیدی و جاهای تولیدی، خیلی باید حساس باشند. گاهی خبرهایی میرسد که واقعاً خبرهای تلخی است؛ [مثلاً] فلان کارخانه‌ی معروف با محصولات زیاد، به خاطر یک مشکلی تعطیل میشود. البته من یادداشت کرده بودم بعداً بگویم حالا همین جا [میگویم]؛ واقعاً [مسئولین] وزارت صنایع نگاه کنند ببینند آن بخشهای مورد نیاز - چه در زمینه‌ی ماشین‌آلات و قطعات، چه در زمینه‌ی کالاهای واسطه‌ای و مواد به اصطلاح لازم برای تولید - کجاها کمبود دارند؛ یک فهرستی تهیه کنند، فراخوان بدهند و از مسئولین گوناگون کشور [بخواهند]؛ حالا که وارد کردنش از خارج مشکلاتی دارد، میتوانند خیلی از این مواد را تولید کنند. یک چیزهایی هست که هیچ ربطی هم به مسائل هسته‌ای و مانند اینها ندارد اما روی خبثات و بدجنسی، خرید اینها را، وارد کردن اینها را ممنوع کرده‌اند و نمیگذارند؛ خیلی خب، در داخل تولید کنیم. جوانهای ما آمادگی دارند، دارای ابتکارند؛ از اینها بخواهند، یک نمایشگاه‌های دائمی تشکیل بدهند، نیازها آنجا تعریف بشود، تولیدات آنجا تعریف بشود. این یک مسئله است.

یک کار اساسی دیگری که در زمینه‌ی اقتصاد لازم است، مسئله‌ی خودکفایی است. از اوّل انقلاب تا حالا مسئله‌ی خودکفایی مطرح بوده. همان اوایل انقلاب در بخشهای گوناگون ارتش، بخشهای نظامی، جهاد خودکفایی راه افتاد؛ بعد هم که سپاه آمد وسط میدان و خب خیلی کارهای گوناگونی در این زمینه انجام گرفت. جوانها در جهاد سازندگی دنبال این کارها بودند و زمینه‌ی خودکفایی در کشور واقعاً وجود داشت.

بعد هم در تولیدات ما، خوشبختانه از مسئولینی که در باب کشاورزی [بودند] خواسته شد تا به

خودکفایی گندم برسند. همّت کردند، الحمدلله شد. هم این یکی دو سال اخیر شده، هم قبلاً یک سال، دو سال خودکفایی گندم تأمین شد. در همه‌ی چیزها میشود به خودکفایی رسید، میشود کار کرد، میشود تلاش کرد و عمده هم این چیزهایی است که موادّ غذایی است: گندم، جو، دانه‌های روغنی، یا دامداری است؛ در این چیزها باید به خودکفایی رسید.

یک فکر جدیدی، یک فکر تازه‌ای در یک بُره‌ای متأسّفانه وارد شد در دستگاه‌های تصمیم‌گیری ما که ما را از خودکفایی دور کرد؛ و آن «صرفه‌ی اقتصادی» بود. گفتند تولید گندم و خودکفایی گندم صرفه‌ی اقتصادی ندارد؛ صرفه‌ی اقتصادی به این است که گندم را وارد کنیم. خب، بله معلوم است، ممکن است یک وقت صرفه‌ی اقتصادی در این باشد؛ اما وقتی جلوی گندم شما را گرفتند، جلوی واردات را گرفتند، به شما گندم نفروختند، چه کار میکنید؟ کدام دولت عاقل دنیا این کار را میکند؟ گفتند بروید مثلاً زعفران بکارید، گندم را وارد کنید، چون زعفران گران‌تر در دنیا فروش میرود؛ صرفه‌ی اقتصادی این است.

در زمینه‌ی نفت هم همین جور، بنزین هم همین جور. حالا آقای رئیس‌جمهور اشاره کردند؛ این پالایشگاه میعانات گازی که در بندرعبّاس به عنوان ستاره‌ی خلیج فارس راه افتاد، یک نمونه‌ای از خودکفایی است. الان حدود یک‌سوم مصرف مُسرفانه‌ی بنزین کنونی را همین تشکیلات، همین پالایشگاه دارد به ما میدهد - الان مصرف بنزین در کشور مُسرفانه است؛ همین صد میلیون لیتر و نود میلیون لیتر و گاهی بیشتر و گاهی یک خرده کمتر در روز، مسرفانه است، نباید باشد؛ لکن تقریباً یک‌سوم همین را به وسیله‌ی همین پالایشگاه [تأمین میکنیم] - که این [پالایشگاه] سال ۸۶ شروع شد، یک مدّتی لنگ شد، باز به همّت سپاه بحمدالله راه افتاد، الان هست؛ خودکفایی یعنی این. این را خیلی باید اهمّیت داد. در همه‌ی زمینه‌ها ما بایستی به خودکفایی فکر کنیم. قدرت کشور در خودکفایی است؛ اقتدار کشور، آبروی کشور در خودکفایی است؛ باید بتوانیم ارکان لازم نیازهای خودمان را خودمان تهیه کنیم.

یک مسئله‌ی سوّم که آن هم جزو چیزهای اساسی است، مسئله‌ی فضای کسب و کار و افزایش سهولت کسب و کار است که قبلاً اشاره کردم. یعنی واقعاً این قدر مقرّرات گوناگون و متناقض در این دستگاه، آن دستگاه [وجود دارد که] تولید مشکل میشود. ما این را دو سه مرتبه تا حالا در جلسات مسئولین دولتی هم مطرح کرده‌ایم، از آنها خواسته‌ایم؛ خوب به اندازه‌ی لازم همت نشده. من خواهش میکنم این قضیه را خیلی جدّی بگیرید. کاری بکنید که کار تولیدی تشویق بشود. خوب امروز همه میدانند نقدینگی در کشور به حدّ خیلی زیادی رسیده؛ این نقدینگی میتواند بلا باشد، مایه‌ی تورّم باشد، به هر جایی هجوم بکند مثل سیل ویرانگری کند، همین نقدینگی اگر هدایت بشود به سمت تولید، میتواند مثل یک دریاچه یا مثل یک استخر، رحمت الهی باشد؛ چرا هدایت نمیشود؟ یکی از عللش این است که چون تولیدکننده دچار مشکل است، صرفه‌ی خودش را در این نمیبیند که کار تولیدی بکند. من امسال، اوّل سال در سخنرانی روز عید (۲۱) گفتم: بعضی‌ها بودند که مشکلات تولید را قبول میکردند، محض رضای خدا! خود من دیده بودم کسی را که میگفت میتوانم این سرمایه را بگذارم در بانک و از سودش استفاده کنم - سپرده‌گذاری طولانی مدّت، دارای منافع زیاد، هیچ دغدغه‌ای هم ندارد - اما میخواهم تولید کنم برای خاطر خدا؛ چون کشور به این تولید نیاز دارد. خوب این جور آدمها کم هستند؛ باید کاری کنیم زیاد بشوند؛ موانع تولید را بایستی برطرف کنیم.

یک نکته‌ی مهم در مسئله‌ی اقتصاد کشور، اولویّت بخش کشاورزی است. بخش کشاورزی، هم از جهت اینکه غذای مردم و موادّ خوراکی مردم به وسیله‌ی بخش کشاورزی تأمین میشود، که در درجه‌ی اوّل قرار دارد، هم به خاطر اینکه الان بیشترین اشتغال در بخش کشاورزی است - که آن طور که به من گزارش کرده‌اند، حدود سی درصد اشتغال در بخش کشاورزی است - هم اگر چنانچه به مسئله‌ی کشاورزی پرداخته بشود و مسئله‌ی روستاها و مشکلات روستاها و بردن کارخانه‌های تبدیلی و صنایع تبدیلی به روستاها و برطرف کردن مشکلات فروش کالاها به وسیله‌ی روستاییان را اگر چنانچه دنبال بکنید، به نظر من، کمک بسیار زیادی خواهد کرد به پیشرفت اقتصاد؛ اهمیّت بخش کشاورزی از اینجا معلوم میشود. گاهی اوقات خبر تعطیلی بعضی از واحدهای تولیدی کشاورزی به

گوش میرسد که خیلی خبر تلخی است هر موردی که انسان می‌شنود. کارهای مهمی در این زمینه باید انجام بگیرد که من یادداشت کرده‌ام و دیگر لزومی ندارد اینجا مطرح کنیم؛ یعنی وقت‌مان کم است.

در بخش صنایع و معادن، همان طور که گفتیم، گاهی اوقات در یک کار صنعتی احتیاج پیدا میشود به یک قطعه یا فلان ماده یا فلان مواد اولیه، که این را باید از خارج وارد کنیم، انتقال پول در بانک‌ها امکان ندارد، مشکلات هست، نمیشود؛ خب بایستی همت کنیم، این را در داخل تولید کنیم. یعنی یکی از کارهایی که باید در زمینه‌ی مسائل اقتصادی حتماً انجام بگیرد و به عهده‌ی وزارت صنایع است، [این است که] کاری کنند که صنایع و معادن ما بتوانند به صورت روان کارشان را انجام بدهند. ما امروز بحمدالله گروه‌های تحقیقاتی متعددی داریم؛ شاید هزارها گروه تحقیقاتی الان در کشور هست - هم در داخل دانشگاه‌ها هستند، هم در بیرون دانشگاه‌ها - اغلب هم جوان؛ بنده با بعضی از اینها ارتباطاتی دارم، می‌آیند، می‌نشینیم، از آنها می‌پرسیم، همه باانگیزه، دارای فکرهای خوب. مواردی را اینها به ما میگویند که بنده که با مسائل دولت آشنا هستم، میدانم این [چیزی] که او میگوید «من میتوانم ایجاد کنم»، درست مورد نیاز دستگاه‌های دولتی است. گاهی اوقات اتفاق افتاده که ما اینها را به هم وصل کردیم؛ دفتر ما متصدی این کار شدند، گفتیم اقدام کنند، این گروه تحقیقاتی را به فلان وزارتخانه وصل کردیم و کارشان راه افتاده. ما امروز از این جهت یک ثروت عظیمی داریم، ثروت بی‌بدیلی داریم: ثروت نیروهای انسانی کارآمد و پُرانگیزه. جوان، پُرانگیزه است، خسته‌نشو است، پُرحوصله است، دارای ابتکار هم هست - حالا آنهایی که بنده آشنا شده‌ام و می‌شناسم و از دور و نزدیک اطلاع دارم - غالباً هم جوانهای متدین، انقلابی، پُرشور و علاقه‌مندند. از اینها باید دستگاه استفاده کند؛ [مسئولان] وزارت صنایع باید یک برنامه‌ی روشنی ارائه کنند، آن حلقه‌های مفقوده‌ی صنایع را معلوم کنند، فراخوان بدهند، از اینها بخواهند، امکانات در اختیارشان بگذارند؛ غالباً این جور است که با پولهای کمی اینها راه می‌افتند.



الان یکی از فرصتهایی که وجود دارد، همین جبران خسارات سیل است. خب سیل خسارات زیادی به امکانات زندگی و وسایل زندگی و مانند اینها وارد کرد؛ [باید] کارخانه‌های ما به کار بیفتند. یکی از کارهای اساسی همین است که ما این اعتباراتی که برای مناطق سیل‌زده در نظر میگیریم، جوری تنظیم کنیم، جوری برنامه‌ریزی کنیم، جوری اینها را هدایت کنیم که به رونق کارخانه‌جات کشور بینجامد؛ تولید این [است]. برویم باز سراغ واردات بی‌رویه؛ مثلاً فرض کنید که فلان جنس را میخواهیم به مناطق زلزله‌زده بدهیم، در کشور کم است یا نیست، برویم سراغ واردات؛ نه، برویم سراغ تولید، برویم سراغ نیروی تولیدکننده‌ی داخلی؛ تسهیلات را و کمکها را به این صورت تنظیم کنیم. این هم یک مطلب.

یک مطلب هم مسئله‌ی مسکن‌سازی است؛ اصلاً رشته‌ی مسکن از جمله رشته‌های کارآفرین در کشور است. یکی از غفلتهایی که در این چند سال شد، این بود که به مسکن پرداخته نشد؛ خود تولید مسکن صنایع زیادی را به کار می‌اندازد؛ خود تولید مسکن صنایع زیادی را به خدمت میگیرد و به کار می‌اندازد؛ یعنی کارآفرین است، تولیدآفرین است و خودش تولید [را رونق میدهد]. الان ما نیاز داریم به مسکن در مناطق سیل‌زده -چه مسکنهایی که باید ترمیم بشوند، چه مسکنهایی که باید ساخته بشوند- این یک فرصت است، از این باید استفاده کرد. دستگاه‌هایی که میتوانند در این زمینه‌های به دولت کمک کنند کم نیستند، بخش خصوصی در اینجا میتواند حضور پیدا کند، به همین جوانهایی که اشاره کردم میتوانید فراخوان بدهید، از اینها بخواهید بیایند کمک کنند، یک حرکت عظیم اشتغال‌آفرینی در کشور به وجود می‌آید.

توجه کنید که در مواجهه‌ی با دشمن، شعار جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی «مقاومت» است. دشمن میخواهد تجاوز کند، پیشروی کند؛ دو راه در مقابل این دشمنی که میخواهد دائم پیش بیاید وجود دارد: یک راه این است که شما عقب بروید؛ تا شما عقب بروید او پیش می‌آید، هر چه شما عقب بروید او پیش می‌آید؛ یک راه هم این است که بایستید، مقاومت کنید. و تجربه‌ی خود ما در

جمهوری اسلامی - به تجربه‌های تاریخ و صدر اسلام و مانند اینها نمیخواهیم تمسک کنیم - نشان میدهد که مقاومت در مقابل دشمن جواب میدهد؛ هر جا ما مقاومت کردیم جواب گرفتیم: در دفاع مقدس، در بخشهای گوناگون، در تحریکات امنیتی که علیه ما میکردند، در مسائل اقتصادی. یک روزی درآمد سالانه‌ی نفت ما در طول سال - که تنها امکان درآمدزایی هم نفت بود - حدود شش میلیارد بود؛ دیگر از این سختی بالاتر؟ البته آن وقت جمعیت کشور خیلی کمتر از حالا بود اما باز هم پنج میلیارد و شش میلیارد درآمد برای کشور چیزی نبود؛ توانستیم بایستیم، مقاومت کردیم، مردم ایستادند. خیلی هم سخت نبود، ایستادگی آنچنان سخت هم نبود؛ مقاومت.

خب مقاومت در عرصه‌ی نظامی یک چیز است، در عرصه‌ی اقتصادی یک چیز دیگر است. در عرصه‌ی اقتصادی مقاومت یعنی همینهایی که ما عرض کردیم، یعنی ساخت اقتصادی داخل را محکم کردن، پایه‌ریزی‌ها را محکم کردن، با مسائل جدی برخورد کردن، مسائل را پیگیری کردن. یکی از مشکلات کار ما پیگیری نکردن است، مسئله رها میشود. یک موضوعی را خوب شروع میکنیم، یک مقداری حرکت میکنیم بعد یواش یواش رها میشود؛ پیگیری باید کرد. همه‌ی این مسائلی که گفته شد، مصداقهای مقاومت است.

برای اصلاح امور هم چشم به خارج از کشور نداشته باشید؛ دیگران به ما کمکی نخواهند کرد [بلکه] ضربه میزنند؛ خارج به ما ضربه [میزند]. اروپا را ملاحظه میکنید؟ این کشورهای اروپایی که دیگر آمریکا نبودند، ما با اینها که دعوایی نداشتیم، ما که با اینها اختلاف نداشتیم، با بعضی‌شان به اصطلاح روابط خوب دوستانه هم داشتیم. ملاحظه میکنید چه جوری برخورد کردند در همین قضیه‌ی برجام و تعهداتشان و مانند اینها. حالا جالب هم این است که مدام هم تکرار میکنند که «ما پایبند برجامیم». اصلاً معنای پایبندی آلمان و فرانسه و انگلیس به برجام چیست؟ یکی از اینها سؤال کند که شما پایبندید، یعنی چه کار میکنید؟ شماها چه تعهدی در مقابل برجام دارید؟ به کدام تعهد عمل میکنید؟

همین طور مدام میگویند ما متعهدیم، ما پایبندیم. یعنی چه پایبندید؟ خب این [جور] است. بنابراین به بیرون نباید نگاه کرد. برای اصلاح کار باید درون را نگاه کرد. اصل اینجا است.

نیرو هم اینجا بحمدالله کم نیست، زیاد است. کشور، بزرگ است، جمعیت، زیاد است، نیروهای جوان و نیروی انسانی فعال زیادند. و مردم هم البته بایستی در این مسائل اقتصادی نقش ایفا کنند، یعنی این خطاب ما فقط به دولت نیست، به مسئولین نیست، بخش مهمی اش مربوط به مردم است. مردم باید کمک کنند، به دولت کمک کنند. در همین بخش تولید که گفته شد، رونق تولید، مردم میتوانند واقعاً سرمایه‌گذاری کنند، کمک کنند. مردم میتوانند محصولات داخلی را بخرند. ما شعار سال گذشته را به عنوان کالای تولید داخل [قرار] دادیم. خب خیلی‌ها هم عمل کردند و کارهای خوبی هم انجام گرفت. این نباید متوقف [بشود]، باید روزبه‌روز افزایش پیدا کند. یعنی واقعاً جنس داخلی تولید داخل حتماً باید رجحان داشته باشد بر جنس خارجی در نظر هر ایرانی. اگر میخواهند اوضاع اقتصادی کشور خوب بشود، یکی از کارها این است.

یکی از کارها زیاده‌روی نکردن در خرید است. گاهی انسان مشاهده میکند به صرف شایعه‌ای که مثلاً در فلان شبکه‌ی فضای مجازی یک خبیثی، یک آدم دروغگویی آمده یک چیزی را [عنوان کرده] که فلان جنس ممکن است گران بشود، میریزند به خریدن! چه لزومی دارد؟ زیاده‌روی در خرید نشود، به شایعات اعتنا نشود، اسراف نشود. یک جاهایی واقعاً اسراف صورت میگیرد که نباید انجام بگیرد. اینها نقشهای مردم است. خب حالا دیگر از مسائل اقتصادی یادداشت‌های دیگری دارم راجع به بانک‌ها و مانند اینها هم حرفهایی هست که اینها را با خود آقایان بانکی‌ها ان‌شاءالله بعداً درمیان میگذاریم؛ حالا وقت نیست.

مسئله‌ی آمریکا. شک نیست که دشمنی آمریکا که از اول انقلاب شروع کرده به دشمنی، امروز شکل آشکار به خودش گرفته. توجه کنید. اینکه ما خیال کنیم امروز دشمنی آمریکا بیشتر شده، نه، آشکار

شده. قبلاً هم همین دشمنی‌ها بود [اما] این جور صریح حرف نمیزدند؛ اینها صریح میگویند. میگویند می‌خواهیم چنین کنیم، می‌خواهیم چنان کنیم. تهدید میکنند. خب آدم باید بداند که قوت و توانایی آن کسی که با صدای بلند تهدید میکند، به قدر صدای بلندش نیست؛ انسان از آن کسی که تهدید نمیکند، بیشتر باید واهمه داشته باشد؛ از آن که تهدید میکند نه. بنابراین امروز آمریکایی‌ها دشمنی را آشکار کرده‌اند؛ مصالح رژیم صهیونیستی را هم بیشتر از هر دولت دیگری اینها رعایت میکنند؛ یعنی واقعاً باید گفت که فرمان کار بسیاری از سیاستهای آمریکا دست صهیونیست‌ها است؛ حالا نه لزوماً دولت صهیونیست در فلسطین اشغالی، بلکه دست جامعه‌ی صهیونیستی است که بر امورشان مسلط است. خودشان هم احتیاج دارند، یعنی این دولت کنونی آمریکا احتیاج دارد به اینکه هارت و هورت کند؛ می‌بینید گاهی اوقات میگوید و چند بار تا حالا تکرار کرده که «این سیاستهای ما ایران را تغییر داد؛ ایران امروز، غیر از ایران [گذشته] است»؛ یعنی این سیاستهای من روی ایران اثر گذاشته. بله، این را راست میگوید، تغییر کرده؛ تغییرش این است که نفرت مردم از آمریکا ده برابر شده. نفرت مردم از اینها بیشتر شده؛ نزدیک شدن آنها به تصرف منافع جمهوری اسلامی دست‌نیافتنی‌تر شده؛ همّت جوانان ما برای اینکه کشور را آماده نگه دارند، بیشتر شده؛ نیروهای نظامی ما حواسشان جمع است، نیروهای امنیتی ما حواسشان جمع‌تر شده؛ بله، تغییراتی که او میگوید، این جور تغییراتی اتفاق افتاده. ببینید حالا واقعاً چقدر دستگاه محاسباتی این دشمن [دچار خطا است] که یک رئیس‌جمهور این را میگوید «هر جمعه در تهران علیه نظام راه‌پیمایی است»؛ اولاً جمعه نیست و شنبه است، تهران نیست و پاریس (۲۲) است. (۲۳) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ أَعْدَانَنَا مِنَ الْحُمَقَاءِ. (۲۴) این دشمنی را اینها دارند؛ خب، این دشمنی که هست.

یک نکته‌ای که غالباً مورد توجه نیست این است که آمریکا الان در درون خودش درگیر مشکلات بزرگ اجتماعی و اقتصادی و مانند اینها است؛ البته در زمینه‌ی اقتصادی یک پیشرفتهایی داشته‌اند، منتها صاحب‌نظران میگویند این پیشرفتها کوتاه‌مدت است، ادامه‌دار نخواهد بود، لکن مشکلات مهم اجتماعی‌شان الان برقرار است. وضع دولتشان هم وضع منسجمی نیست؛ این حرفهایی متناقض که میزنند - یکی‌شان یک حرفی میزند، یکی‌شان یک حرف دیگری میزند؛ امروز یک چیزی میگویند، فردا

ضد آن را میگویند - نشان دهنده‌ی آشفتگی است. حالا آنچه من اینجا یادداشت کرده‌ام که گزارشی است که وزارت کشاورزی آمریکا داده، ۴۱ میلیون آمریکایی دچار گرسنگی و نداشتن امنیت غذایی‌اند؛ این وضع آمریکا [است]. یعنی این هیاهوها و هارت و هورت‌ها و به خیال خودشان فشار اقتصادی به ملت ایران وارد کردن، از طرف یک چنین دولتی است که در کشور خودش طبق آماری که خودشان میدهند، ۴۱ میلیون [نفر] دچار گرسنگی [هستند].

در زمینه‌ی وضع اجتماعی؛ یک مرکزی دارند به نام «مرکز آمار ملی حیاتی آمریکا» که این مرکز میگوید چهل درصد ولادتها در آمریکا نامشروع است. دو میلیون و دویست هزار زندانی در آمریکا وجود دارد که در دنیا بی نظیر است؛ یعنی به نسبت جمعیت، بی نظیر است؛ هیچ جای دنیا، به نسبت جمعیت، این همه زندانی ندارد. بالاترین آمار مصرف مواد مخدر در جهان در آمریکا است. ببینید! مشکلات اجتماعی اینها است دیگر؛ گرفتارند. ۳۱ درصد تیراندازی‌های جمعی در دنیا در آمریکا اتفاق می‌افتد؛ هر روز می‌شنوید، می‌بینید، در روزنامه‌ها می‌خوانید که در فلان مدرسه، در فلان باشگاه، در فلان ایستگاه مترو تیراندازی شده. اینها وضع اجتماعی اینها است؛ گرفتارند؛ دل آدم هم می‌سوزد برای مردم آنها. آن وقت چه کسی می‌آید میشود رئیس جمهورشان! آدمهایی که این همه دور از حقیقت و واقعیتند. بنابراین، دشمن را بعضی‌ها خیلی بزرگ و خطرناک نکنند؛ دشمن، دشمنی است که گرفتار است.

البته نمیخواهیم غفلت از دشمنی دشمن بشود که: «دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد»؛ (۲۵) اما نتوان هم دشمن را آن چنان پُرهیت و پُرعظمت شمرد که طرف در مقابل او احساس کند که نمیتواند کاری بکند؛ نخیر، دشمن، دشمن آن چنان قوی‌ای نیست؛ دشمن، دشمن مشکل‌داری است، سیاستهایش هم غلط است. این سیاستهایی که این چند سال این رئیس‌جمهور به کار برده، تقریباً عموماً به ضررشان تمام شده از لحاظ سیاسی - امنیتی؛ سیاستهای در منطقه‌ی ما که این جوری است، سیاستهای اروپایی‌شان این جوری است، در مواجهه‌ی با بعضی از قدرتهای آسیایی [هم] سیاستهایشان به ضررشان تمام شده؛ سیاستهایشان سیاستهایی بوده است که نتوانسته به آنها کمکی بکند. این مسئله‌ی

هفت هزار میلیارد دلاری که این شخص در تبلیغات انتخاباتی اش میگفت، (۲۶) باز هم ادامه دارد، باز هم دارند خرج میکنند؛ البتّه دستشان در کیسه‌ی سعودی‌ها هم هست. بنابراین در سیاستهایشان موقّیّت نداشته‌اند.

در سیاست مواجهه‌ی با جمهوری اسلامی هم من به شما عرض بکنم که قطعاً آمریکا شکست خواهد خورد و به نفع ما تمام خواهد شد. الان صاحب‌نظرانی در آمریکا دارند هشدار میدهند - اینها در مطبوعاتشان درج میشود - که این فشاری که شما روی ایران دارید اعمال میکنید، به یک جهش اقتصادی در ایران منجر خواهد شد؛ این را آنها دارند میگویند و واقعه‌ش هم همین است؛ آنها شکست میخورند. رفتارشان انفعالی است؛ استحکام روزافزون جمهوری اسلامی بحمدالله طرف را میترساند، از روی انفعال دست به یک چنین کارهایی میزنند. بنابراین، این را باید توجّه داشت.

خب، حالا آدم میبیند و می‌شنود که او (۲۷) که میگوید مذاکره، در داخل هم بعضی‌ها میگویند «حالا مثلاً مذاکره چه عیبی دارد»؛ مذاکره سم است. تا وقتی آمریکا همین است که الان هست - به تعبیر امام، تا وقتی آدم نشده؛ امام این جوری تعبیر کردند - مذاکره‌ی ما و آمریکا سم است، و با این دولت کنونی [آمریکا]، یک سمّ مضاعف است.

مذاکره یعنی معامله؛ یعنی یک چیزی بدهی، یک چیزی بگیری. آنچه در این معامله مورد نظر او است، درست نقاط قوّت جمهوری اسلامی است؛ مذاکره را روی این میبرند. نمیگویند بیاید راجع به آب و هوا، راجع به منابع طبیعی، راجع به محیط زیست مذاکره کنیم، میگویند بیاید درباره‌ی سلاح دفاعی شما مذاکره کنیم؛ شما چرا سلاح دفاعی دارید؟ خب سلاح دفاعی برای یک کشور ضروری است. اینها میگویند بیاید روی این مذاکره کنیم؛ مذاکره کنیم یعنی چه؟ یعنی شما اگر چنانچه فرض کنید موشک میسازید با فلان بُرد، با فلان دقّت، این بُرد را کم کنید به طوری که به پایگاه ما که آمریکا هستیم نرسد که اگر ما یک روز شما را زدیم، شما نتوانید جواب ما را بدهید؛ خب این مورد معامله است؛ شما قبول میکنید این را، یا قبول نمیکنید؟ معلوم است که قبول نمیکنید، وقتی قبول نکردید

همین آش است و همین کاسه، همین دعوا، همین سر و صدا؛ بحث دین و انقلاب و مانند اینها نیست، هیچ ایرانی غیرتمند و باشعوری نمی‌رود راجع به نقاط قوت خودش با طرف مقابل معامله کند؛ با طرفی که می‌خواهد این نقاط قوت را از دست او بیرون بیاورد، معامله نمی‌کند اینها را؛ اینها را ما لازم داریم. عمق راهبردی ما در منطقه خیلی مهم است؛ خب برای هر کشوری مهم است؛ عمق راهبردی سیاسی و امنیتی، مؤلفه‌ی اساسی‌ای است برای حیات همه‌ی دولتها و ملت‌ها و ما بحمدالله عمق راهبردی‌مان در منطقه خیلی خوب است؛ اینها از این ناراحتند، می‌گویند بیاید روی مسائل منطقه صحبت کنیم یعنی شما عمق راهبردی‌تان را از دست بدهید؛ روی اینها می‌گویند مذاکره کنیم.

خب بنابراین اصل مذاکره غلط است. مذاکره با کسی که آدم حسابی باشد غلط است، حالا اینها که آدم حسابی هم نیستند؛ [مذاکره با] آدمهایی که زیر حرفشان می‌زنند، تعهدشان را به هم می‌زنند، پابند به هیچ چیز نیستند - نه یک چیز اخلاقی، نه یک چیز قانونی، نه یک عرف بین‌المللی؛ به هیچ چیزی پابند نیستند - بنابراین مسخره است. البته در عقلای ما کسی نیست که دنبال این مسئله باشد؛ آحاد ملت هم که خب معلوم است؛ [حالا] بعضی گوشه کنار گاهی یک سر و صدایی میکنند. مذاکره بنابراین مطلقاً معنی ندارد و همین طور که قبلاً هم بارها گفته‌ایم، چنین چیزی نیست. در دولت قبل از اینها که ظاهرشان خیلی اتوکشیده‌تر و بهتر از اینها بود، او‌باما یک نامه‌ی «فدایت شوم» برای ما نوشت و ما هم بعد از مدتی یک جوابی به او دادیم و بلافاصله نامه‌ی دوّم را نوشت؛ من می‌خواستم باز هم جواب بدهم که در این بین فتنه‌ی ۸۸ پیشامد کرد؛ خوشحال رفتند سراغ فتنه‌گرها و دفاع از فتنه، حمایت از فتنه. آنهایی که حالا ظاهرشان، ظاهر این جوری بود، باطن‌شان این بود که به مجرد اینکه فتنه‌ای اینجا راه افتاد، همه‌ی آن حرفهایی که قبلاً زده بودند، آن اظهار ارادت‌ها، کآنه فراموششان شد و به جریان فتنه علیه جمهوری اسلامی ملحق شدند؛ اینها که خب [وضعشان معلوم است].

بنابراین گزینه‌ی قطعی ملت ایران مقاومت در مقابل آمریکا است و در این رویارویی، در این مقاومت، او وادار خواهد شد به عقب‌نشینی. و بحث مقاومت هم بحث برخورد نظامی نیست؛ این که حالا بعضی

هم مسئله‌ی جنگ را در روزنامه و در فضای مجازی و مانند اینها مطرح میکنند حرف بیخودی است. جنگی بنا نیست انجام بگیرد و به توفیق الهی انجام هم نخواهد گرفت. نه ما دنبال جنگیم، آنها هم به صرفه‌شان نیست که دنبال جنگ باشند و میدانند که به صرفه‌شان نیست. ما هم که خب اهل ابتدا به کارِ نظامی نیستیم — هیچ وقت نبودیم، الان هم نیستیم — این برخورد، برخورد اراده‌ها است؛ این رویارویی، رویارویی اراده‌ها است؛ و اراده‌ی ما از آنها قوی‌تر است. ما علاوه‌ی بر اراده‌ی قوی، توکل به خدا را هم داریم. ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكُفْرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ؛ (۲۸) آنها مولا ندارند؛ ما متکی به اراده‌ی الهی هستیم. بنابراین ان‌شاءالله آینده، آینده‌ی خوبی است و سختی‌ها هم آن‌چنان که بعضی‌ها تصویر میکنند و توصیف میکنند، نیست و نخواهد بود. ان‌شاءالله دولت خودمان، مسئولین کشور با همت، با قدرت، با اراده‌ی قوی، با مدیریت‌ها و —همین طور که اشاره کردند— با تدبیرهای نو و تازه به مواجهه‌ی با حوادث خواهند رفت و پیروز خواهند شد.

پروردگارا! به محمد و آل محمد ملت ایران را در همه‌ی این رویارویی‌ها پیروز بفرما. پروردگارا! امام بزرگوار و عزیز ما را که این راه در مقابل ما باز کرد، با اولیانش محشور کن. پروردگارا! به محمد و آل محمد آنچه را گفتیم و آنچه را نیت کردیم و آنچه را عمل خواهیم کرد ان‌شاءالله، برای خودت و در راه خودت قرار بده؛ و آن را از ما قبول بفرما.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

۱ (در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی (رئیس‌جمهور) مطالبی بیان کرد.

۲ (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۳)

۳ (از جمله، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۹)

۴ (سوره‌ی حجرات، بخشی از آیه‌ی ۱۰)

۵ (از جمله، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۹)



۶ (از جمله سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۵۳)

۷ (سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۲۹؛ «... اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص [حق] از باطل [قرار می‌دهد]...»)

۸ (سوره‌ی طلاق، بخشی از آیه‌ی ۲؛ «... و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد».)

۹ (سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۱۲۲)

۱۰ (سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۵۲)

۱۱ (از جمله سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۸؛ «... تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند»...)

۱۲ (تردید، دودلی)

۱۳ (سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۴۵)

۱۴ (مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۲۸ (با اندکی تفاوت))

۱۵ (بزرگی، تشخیص)

۱۶ (نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۵؛ «آگاه باش امام شما از تمام دنیایش به دو جامه کهنه، و از خوراکش به دو قرص نان قناعت نموده»...)

۱۷ (همان)

۱۸ (همان)

۱۹ (دونالد ترامپ)

۲۰ (ر.ک: بیانات به مناسبت حلول سال نو) ۱/۱/۱۳۹۸)

۲۱ (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی) ۱/۱/۱۳۹۸)

۲۲ (اشاره به اعتراضات مردم فرانسه در پاریس)

۲۳ (خنده‌ی معظّمه و حضار)

۲۴ (منسوب به امام سجّاد (علیه السّلام)؛ «سپاس خداوندی که دشمنان ما را از احمقان قرار داده است».)

۲۵ (سعدی. گلستان، باب اوّل، حکایت ۴؛ «دانی که چه گفت زال با رستم گرد / دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد»)

۲۶ (اشاره به هزینه‌ی دولت آمریکا در خاورمیانه)

۲۷ (رئیس‌جمهور آمریکا)

۲۸ (سوره‌ی محمّد، آیه‌ی ۱۱؛ «چرا که خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، ولی کافران را سرپرست [و یاری] نیست».)

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) -  
مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی